

# گوشه هایی از پانورامای وقایع فلسطین

## اشاره

امروز فلسطین در اشغال نظامی و استعماری اسرائیل است، یعنی یکی از آخرین نمونه های استعمار در دنیای معاصر. در فاصله ی دو جنگ جهانی اول و دوم که فلسطین تحت قیمومت بریتانیا بود یهودیان 30 در صد جمعیت را تشکیل می دادند که تنها 7 در صد اراضی به آنان تعلق داشت. در قطعنامه ای که ملل متحد در 1947 برای تقسیم فلسطین بین اعراب و یهودیان تصویب کرد بیش از 50 در صد خاک فلسطین به یهودیان داده شد که اعراب نپذیرفتند. دولت اسرائیل در 1948 تشکیل شد و قسمتی که به اعراب تعلق می گرفت یا ضمیمه ی پادشاهی اردن شد (ساحل غربی) یا اداره ی آن به مصر واگذار گردید (غزه).

آن 7 درصد که متعلق به یهودیان بود هم اکنون به 68 درصد رسیده است. در سال های 1950 اسرائیل بخش های دیگری از فلسطین را اشغال کرد و در سال 1967 کل فلسطین را اشغال نمود. تمام قطعنامه های ملل متحد را که دائر بر تخلیه ی اراضی اشغالی و حق بازگشت آوارگان است، اسرائیل نادیده گرفته و جامعه ی بین المللی در برابر این تجاوز به حقوق فلسطینی ها هرگز مجازاتی علیه این کشور در نظر نگرفته است. اسرائیل در معافیت مطلق از مجازات، تمام حقوق ابتدائی و ملی فلسطینی ها را زیر پا گذاشته و از آغاز مرتکب انواع تروریسم دولتی و حتی کشتار دولتی گردیده است. شارون و دیگر دست راستی های افراطی که هم اکنون در اسرائیل بر سر کار اند بارها تاکید کرده اند که خواستار اخراج فلسطینی ها از فلسطین اند. در 1948 حدود 150 هزار تن از فلسطینی ها در سرزمین خود باقی ماندند که هم اکنون شمارشان به یک میلیون می رسد و به صورت یک اقلیت در اسرائیل زندگی می کنند. آن ها شهروندان درجه ی دوم اند و نسبت بدانان تبعیض نژادی اعمال می شود.

35 سال از اشغال ساحل غربی و غزه می گذرد. اسرائیل حتی قراردادهایی را که خود در اسلو امضا کرده زیر پا گذاشته است. فلسطینی ها در اسلو حتی بیش از آنچه در طاقتشان بود کوتاه آمدند یعنی پذیرفتند که در برابر 22 در صد از کل خاک فلسطین، از 78 در صد بقیه صرف نظر کنند، دولت اسرائیل را به رسمیت بشناسند و با آن صلح کنند ولی اسرائیل حقوق فلسطینی ها را در مذاکرات کمپ دیوید که در آخرین روزهای حکومت کلینتون و زیر نظر او تشکیل شد نادیده گرفت و در نتیجه فلسطینی ها حاضر نشدند «صلح» مورد نظر اسرائیل را بپذیرند. آنچه فلسطینی ها از 7 سال مذاکره یعنی از 1993 تا 2000 به اصطلاح به دست آوردند 18 درصد از آن 22 درصد بود که منطقه ی الف نامیده می شد، نه از حاکمیت ملی خبری بود نه از استقلال سیاسی و اقتصادی نه از بیت المقدس و نه از بازگشت آوارگان.

پیش از انتفاضه ی دوم وضع معیشتی در سرزمین های خودمختار از دوره ی اشغال هم بدتر شده بود. تحقیر مردم و ستم های بیحد وضع عمومی را آماده ی انفجار کرده بود. دیدار تحریک آمیز شارون از مسجد اقصی که به دقت از سوی ایهود باراک، نخست وزیر وقت، سازماندهی شده بود حکم چاشنی ای داشت که بشکه ی باروت را منفجر کرد و انتفاضه ی دوم درست دو سال پیش، در 29 سپتامبر 2000 آغاز گردید. در انتفاضه ی اول اعتراض ها همه مسالمت آمیز بود و در برابر تانک های اسرائیلی با پرتاب سنگ مقابله می شد و عملاً از سلاح های اسرائیلی در برابر این نوع مبارزه کاری چندان ساخته نبود. همچنین در افکار عمومی جهانی چرخشی چشمگیر به سود قضیه ی فلسطین به وجود آمد. در انتفاضه ی دوم تشدید سرکوب های مستمر و به خصوص قتل های دائم (لغو مجازات اعدام که اسرائیل بدان می بالد مانع این قتل ها البته نیست) و تخریب خانه ها و دستگیری ها و توقف به اصطلاح روند صلح، کار را به مقابله ی مسلحانه کشاند و کارزار مقاومت در برابر اشغال، ظاهراً حالت جنگی دوجانبه به خود گرفت حال آنکه حتی نمی توان گفت که دو طرف وجود دارد: اسرائیل از شناسائی بین المللی برخوردار است با اقتصادی 50 برابر نیرومندتر از اقتصاد فلسطینی. اسرائیل ابرقدرت منطقه است که میلیاردها دلار اسلحه ی مدرن در سال وارد می کند. اسرائیل پنجمین قدرت اتمی جهان است و 200 تا 300 کلاهک اتمی دارد و در طرف دیگر فلسطینی ها هستند که در 200 گنو و محدوده ی بسته در انزوا بسر می برند.

بشریت امروز حق ندارد فلسطینی ها را تنها بگذارد و راه احقاق حقوق شان را بر آنان ببندد. از یک طرف قوانین بین المللی می گویند ملتی که تحت اشغال باشد حق دارد از هر وسیله ای که در اختیار داشته باشد استفاده کند ولی نوبت به فلسطینی ها که می رسد می گویند شما حق مقاومت دارید ولی تروریسم نه. آن ها چیزی ندارند، نه ارتشی و نه حتی سلاح مؤثری. وقتی هیچ راهی برای آنان باقی نمی ماند جامعه ی بین المللی حق ندارد به آن ها بگوید شما حق ندارید تروریسم را به کار گیرید. مگر عملیات مقاومت ضد فاشیستی در جریان جنگ جهانی دوم جز این بوده و مگر مبارزان مقاومت را فاشیست ها به همین عنوان «تروریست» محکوم به اعدام نمی کرده اند؟ بحث در باره ی عملیات انتحاری و زیان های آن، چه در محافل فلسطینی و چه در بین حمایتگران آنان در خارج، جریان دارد ولی یک لحظه هم استدلال های مغرضانه و ساده لوحانه ی رسانه های گروهی و به اصطلاح «عشق به شهادت» را کنار بگذاریم و به جوانی بیندیشیم که جان خود را چون بمب به کار می گیرد که یادآور اسطوره ی آرش کمانگیر است که «جان خود در تیر کرد آرش». صحبت بر سر تأیید عملیات انتحاری به عنوان یک مشی مبارزاتی نیست. بلکه بحث بر سر فهم آن است. به شرایطی بیندیشیم که مرگ را برای فرد آسان تر از این زندگی می کند. اگر زندگی را برای او جهنم نکرده بودند، حتی اگر به بهشت اعتقادی داشت هرگز حاضر نبود بهشت نقد را به نسیه بفروشد که هیچ مؤمنی نمی فروشد، چنانکه بر اساس دین هم حق خودکشی ندارد. عملیات انتحاری نه ویژه ی مسلمانان است نه حتی ویژه ی خداپرستان. حقیقت این است که فلسطینی ها از تروریسم بیزار اند زیرا از 50 سال پیش به این سو، خود قربانی مستمر تروریسم دولتی بوده و هستند.

اسرائیل با حمایت آمریکا و سکوت توطئه گرانه ی اتحادیه ی اروپا و دیگر قدرتها جز به تخریب و نابودی آرمان فلسطینی ها نمی اندیشد. امروز خطر بزرگ این است که با آغاز جنگ تجاوزکارانه ی آمریکا علیه مردم عراق، اسرائیل فرصت یابد که فلسطینی ها را با استفاده از هیاهوی جنگ به طور دستجمعی و انبوه از فلسطین اخراج کند (رک به مقاله ی میشل دل کاستیلو در لوموند 11 سپتامبر 2002).

سابقاً برخی مفسرین سیاسی گمان می بردند که حمله ی آمریکا به عراق و بی ثبات کردن آن ممکن است باعث ثبات در فلسطین و برقراری دولت فلسطین شود ولی ظاهراً قضایا بر خلاف این است و سیاست این تنها ابرقدرت حاکم بر جهان برقراری بی ثباتی در سراسر منطقه است. آن ها می دانند که از این طریق بهتر می توانند توده های ستمدیده را از اعتلا بخشیدن به مبارزه شان علیه سرمایه داری مانع شوند.

بی ثباتی در منطقه به سود آزمندی های توسعه طلبانه ی اسرائیل است. با بی ثباتی در منطقه، اسرائیل می تواند بگوید چرا ما باید در ساحل غربی و غزه ثباتی به وجود آوریم؟ اسرائیل تا امروز سیاستی برای صلح نداشته و مرزهای های خود را هم مشخص نکرده زیرا به گفته ی شارون جنگ «استقلال»، جنگ 1948 به پایان نرسیده است.

طی 40 سال، شاید مهم ترین دستاورد مردم فلسطین وجود مؤسسه ای سیاسی به نام سازمان آزادی بخش فلسطین است. اسرائیل و همدست درجه ی اول آن آمریکا می خواهند این دستاورد را که سمبل استقلال طلبی و هویت ملی و اجتماعی مردم فلسطین است از بین ببرند. مسلم است که بدون یاسر عرفات که چهره ی برجسته ی این آرمان و مؤسسه ی سیاسی ست، اسرائیل بهتر می تواند در نابود کردن آرمان فلسطین تلاش کند. در پایان این یادداشت مختصر باید از مقاومت حیرت انگیز مردم فلسطین بگوئیم و از همبستگی وجدان های بیدار انسان ها چه در خود اسرائیل و چه در سراسر جهان که بدون هیچ ملاحظه ی قومی یا مذهبی روز به روز گسترده تر می شود. نمونه هایی از گزارش ها و موضع گیری ها را که با همکاری بهروز افشین فراهم شده در زیر می آوریم.

دوم اکتبر 2002 - تراب حق شناس

یکشنبه 22 سپتامبر 2002

## مقاطعه، مقر فرماندهی عرفات در محاصره ی تانک ها ست.

ساعت 18 و 55 دقیقه: هزاران تن از مردم فلسطین در غزه و ساحل غربی دستور نظامی نیروی اشغالگر را دایر بر منع عبور و مرور درهم شکسته به خیابان می ریزند. چهار مرد و یک نوجوان در این تظاهرات کشته می شوند. اتحادیه ی اروپا از اسرائیل می خواهد که از تخریب ساختمان های محیط فرماندهی عرفات دست بردارد. وزیر خارجه ی دانمارک که کشورش ریاست کنونی اتحادیه ی اروپا را بر عهده دارد می گوید: اشغال مجدد و تخریب دفاتر رهبری فلسطین هیچ فایده ای برای برقراری صلح و امنیت مردم فلسطین و اسرائیل ندارد.

در رام الله صدها تن از زن و مرد و کودک فریاد می زنند: زنده باد عرفات، زنده باد فلسطین. یکی از اعضای بریگاد شهدای الاقصی فریاد می زند: «وقت آن است که همه ی فلسطینی ها به اسرائیل حقیقت را بیاموزند و از عرفات دفاع کنند». شاهدان عینی گواهی می دهند که تظاهر کنندگان می کوشند حول مقر فرماندهی عرفات اجتماع کنند ولی ارتش اشغالگر نه فقط با پرتاب گاز اشک آور به مقابله با آنان می پردازد، بلکه رگبار گلوله را بر روی جمعیت می گشاید. به گفته ی مقامات بیمارستان دو نفر کشته می شوند. دو نفر دیگر از اردوگاه بلاطه و دیگری از تولکرم کشته می شود. در اینجا حدود 1200 نفر تجمع کرده اند و بین آنان و سربازان اشغالگر رگبار گلوله ها رد و بدل می شود. در شهر رفح (نوار غزه) پنج هزار نفر گرد آمده اند. برخی عکس عرفات را به دست دارند و برخی دیگر تیراندازی هوایی می کنند. در غزه، جنین و الخلیل (هبرون) هم تظاهرات جریان دارد. نوجوانی 13 ساله که منع عبور و مرور را رعایت نکرده بود کشته می شود. در جریکو (اریحا) 400 نفر به سوی زندان ها روانه اند و خواستار آزادی زندانیان اند. اسرائیل با محاصره ی مقر عرفات و تخریب مستمر ساختمان های اطراف آن می خواهد عرفات را وادار کند که به تبعید تن در دهد (منبع: انجمن همبستگی فرانسه - فلسطین).

## امتناع از خدمت در ارتش اسرائیل

فراخوان شماری از افسران و سربازان نیروی احتیاط ارتش اسرائیل (متن از سازمان صلح طلب اسرائیلی «یش گوول»)

«ما افسران و سربازان نیروی احتیاط ارتش اسرائیل (تراهل) که در مهد صهیونیسم و فداکاری برای دولت اسرائیل بزرگ شده ایم و همواره در خط مقدم جبهه خدمت کرده، در کلیه ی مأموریت ها، چه ساده و چه سخت، در دفاع از دولت اسرائیل و تحکیم آن پیشقدم بوده ایم، ما که هفته های طولانی را در هر سال به رغم تاوان شخصی گزافی که برایمان داشته در ارتش خدمت کرده ایم، ما که در کلیه ی مناطق خدمت کرده و فرمان ها و دستوراتی را دریافت کرده ایم که نه تنها هیچ ربطی به امنیت اسرائیل نداشته بلکه هدف از آن ها سلطه بر مردم فلسطین بوده است،

ما که به چشم خود دیده ایم که اشغال چه تاوان خونینی را بر هر دو طرف کشمکش تحمیل می کند،

ما که احساس کرده ایم دستورات داده شده چگونه تمام ارزش های کشور ما را نابود می کند،

ما که فهمیده ایم چگونه اشغال چهره ی انسانی ارتش را از بین می برد و کل جامعه ی اسرائیل را به فساد می کشاند،

ما که می دانیم سرزمین های اشغالی جزو اسرائیل نیست و کلیه ی کولونی ها (مستعمرات و مهاجر نشین ها) سرانجام برچیده خواهند شد، اعلام می کنیم:

که دیگر برای صلح و آرامش این کولونی ها نخواهیم جنگید،

که دیگر فراسوی خط سبز به منظور اخراج، گرسنه نگاه داشتن و تحقیر یک ملت نخواهیم جنگید.

ما اعلام می کنیم که در کلیه ی شرایط برای دفاع از دولت اسرائیل آماده ایم، اما اشغال و سرکوب چنین هدفی را دنبال نمی کنند» (با کمی تلخیص. به نقل از نشریه ی کمیته ی هشپاری برای صلحی واقعی در خاور میانه - ژوئن 2).

## راهپیمایی تاریخی ضد جنگ در لندن

نوشته ی باب وینگ (باب وینگ نویسنده ی کتاب «زمان های جنگ» است و هم اکنون بر سر راه خود به فلسطین در لندن بسر می برد). لندن 28 سپتامبر 2002

تونی بلر شاید تنها متحد پرزیدنت بوش در راه جنگ با عراق باشد. ولی مردم انگلیس امروز مخالفت قاطعانه ی خود را با تغییر تحمیلی رژیم عراق اعلام کردند.

امروز بعد از ظهر، دست کم 350 هزار نفر از سراسر انگلستان به خیابان ریختند تا در راه پیمایی و تظاهراتی صلح آمیز یا شعار «به عراق حمله نکنید. فلسطین را آزاد کنید» شرکت کنند. این بزرگ ترین تظاهرات طی 30 سال گذشته است. راه پیمایی چنان عظیم بود که اندازه ی آن را نمی شد تخمین زد. آنچه مسلم است اینکه صدها هزار نفر از ملیت ها و سنین و طبقات مختلف در آن شرکت داشتند.

نظرخواهی های اخیر نشان می دهد که 70 درصد از مردم انگلیس با پیوستن به جنگی که به رهبری آمریکا صورت می گیرد مخالف اند. آندره مورای رئیس انجمن «دست از ائتلاف جنگی بردارید» می گوید: «این نه تنها مخالفت با جنگ بلکه به جوش آمدن از خشم است. این راهپیمایی ضربه ای بود به بلر و پیش پرده ای بود برای کنفرانس حزب کارگر که چند هفته بعد تشکیل می شود. تظاهرات در انجمن «دست از ائتلاف جنگی بردارید» و «انجمن مسلمانان بریتانیا» مشترکاً ترتیب داده بودند و 12 سندیکا، شمار زیادی از سازمان های مسلمان ضد نژادپرستی، برخی از اعضای پارلمان و شهردار لندن از آن پشتیبانی کرده بودند.

برگزارکنندگان فراخوانی برای تظاهرات دیگری داده اند که در 31 اکتبر علیه حمله به عراق برپا می شود. ژرمی کریبن، نماینده پارلمان از حزب کارگر می گوید: «مخالفت با این جنگ در این کشور باور نکردنی ترین ائتلافی ست که من دیده ام»

بیانیه:

## تحریم کالاهاى اسرائیلی

از آنجا که دولت اسرائیل حقوق بین المللی را زیر پا می گذارد، پارلمان اروپا (استراسبورگ) تصمیم گرفت معاهدات اقتصادی اروپا و اسرائیل را به حالت تعلیق درآورد. ما خواستار آنیم که مقامات سیاسی کشور ما (فرانسه) مسؤولیت خود را در تحقق این تصمیم به عهده گرفته آن را به مرحله ی عمل درآورند. بر همین اساس ما از مردم می خواهیم تا زمانی که اشغال سرزمین های فلسطینی توسط اسرائیل ادامه دارد از خرید کالاهاى اسرائیلی خودداری ورزند. به طور خاص ما از هر فرد می خواهیم که از خرید میوه، سبزی و دیگر فرآورده های کشاورزی «ساخت اسرائیل» امتناع کنند و به طور کلی مردم را فرا می خوانیم که کالاهاى اسرائیلی را که معمولاً با شماره ی کد 0729 مشخص می شود تحریم کنند و از شهروندان می خواهیم که اگر منشا کالا معلوم نیست (امری که خود غیرقانونی می باشد) از منشا آن کسب اطلاع کنند.

دولت اسرائیل که آرپیل شارون در راس آن است هر روز بیش از پیش به سیاست مستعمره کردن اراضی فلسطین و تخریب زیربناهای جامعه ی فلسطین و نقض حقوق بین المللی و حقوق انسانی و معاهدات و قطعنامه های ملل متحد ادامه می دهد. این نقض مستمر حقوق انسانی که خود منشا مقاومت نومیدانه ی فلسطینی ها است و به عملیات انتحاری علیه غیرنظامیان انجامیده تنها وخامت هرچه بیشتر اوضاع را به بار می آورد و برقراری صلحی عادلانه و پایدار بین فلسطینی ها و اسرائیلی ها را ناممکن می گرداند. در حالی که ابرقدرت آمریکا به طور غیرمشرط به حمایت خود از شارون ادامه می دهد پارلمان اروپا خواستار مجازات اقتصادی اسرائیل است، اما برای اینکه این امر جامعه ی عمل پیوسته و به مردم اسرائیل بفهماند تا زمانی که به حمایت از سرکوب فلسطینی ها ادامه می دهند رهبران سیاسی ما (اروپائیان) باید این تصمیم پارلمان اروپا را تصویب کرده اجرا نمایند. اما آن ها تا کنون از خود تردید نشان داده فلسطینی ها را به حال خود رها کرده اند یعنی ملتی را در میهن خود به زندان گرفتار نموده اند که خود مقدمه ی اخراج و نفی بلد آنان است.

دولت اسرائیل با کشیدن دیوارهای بتونی که با سیم برق و حضور سربازان مسلح همراه است نظام آپارتاید را سراسری کرده همان سیاستی را تکرار می کند که سابقاً در آفریقای جنوبی رایج بود. ما به عنوان شهروندان اروپا از رهبران سیاسی خود می خواهیم که مجازات های اقتصادی را که در چارچوب اروپا تصویب شده در هریک از کشورها به اجرا درآورند. در این باره نباید تردیدی به خود راه داد و باید اعضای پارلمان و منتخبین ملت را به سؤال کشید. ما می توانیم به عنوان مصرف کننده به آن ها نمونه ی عملی نشان دهیم. ما توانایی آن را داریم و وظیفه ی ما است که مستقیماً وارد عمل شویم. دست زدن به بایکوت در امکان همه ی ما هست.

قبل از هرچیز باید دانست که فرآورده های کشاورزی اسرائیل: «ساخت اسرائیل» نه فقط بخشی از آن ها در سرزمین های غصب شده ی فلسطینی به عمل می آید بلکه با آب غصب شده نیز آبیاری می شود زیرا تقسیم آب در سرزمین های اشغالی کاملاً در اختیار اسرائیل است. فلسطینی ها برعکس، در نتیجه ی اشغال اسرائیل، هیچ امکانی برای استفاده از کشاورزی خود ندارند. زمین هاشان اگر در اختیار کولون ها هم قرار نگرفته باشد، یا به عنوان منطقه ی نظامی غصب می شود یا به بهانه ی «منابع طبیعی»، کشتزارها و باغ های متعددی ویران شده و صادرات فلسطینی ها با ممانعت های اسرائیل مواجه شده است. فراموش نکنیم که اسرائیل برخی از کالاهاى تولید شده در کولونی های واقع در اراضی اشغالی را با مارک «ساخت اسرائیل» معرفی می کند و این اقدامی است کاملاً مخالف قراردادهای اقتصادی بین اتحادیه ی اروپا و اسرائیل.

امروز برخی از صلح دوستان اسرائیلی هستند که شعار تحریم کالاهاى اسرائیلی را سر می دهند زیرا می دانند که این وسیله ای است برای حفظ آینده ی اسرائیل و مردم آن. بدین دلیل است که تحریم فرآورده های آپارتاید اسرائیل به هیچ رو به معنی ضدیت با اشخاص و مؤسسات یهودی نیست. اقدام ما برعکس، در چارچوب مبارزه ای مصممانه علیه هرگونه نژادپرستی است، چه ضدیت با یهود نام گیرد چه هر پیشداوری نژادپرستانه ی دیگر. امضاها: دهها انجمن و حزب از نیروهای چپ و دموکراتیک فرانسوی این فراخوان را امضا کرده اند.

روز 28 سپتامبر **تظاهراتی** در شهر مارس (جنوب فرانسه) برای حمایت از شعار تحریم کالاهاى اسرائیلی برپا شد. مارسى از این لحاظ انتخاب شده بود که صدور کالاهاى اسرائیلی به اروپا از طریق اسکله ای به نام کرمل در مارسى صورت می گیرد. در این تظاهرات از شهرهای مختلف فرانسه و نیز از برخی کشورهای اروپا شرکت داشتند. یاسر عرفات از مقرر محاضره شده ی خود در رام الله مستقیماً برای آنان پیامی تلفنی فرستاد. با تشدید تجاوزات دولت اشغالگر اسرائیل، نیروهای طرفدار صلح و انجمن های پشتیبانی از مقاومت مردم فلسطین نیز بر فعالیت خود افزوده اند. غیر از تظاهرات مارسى، سفرهای بازدید از مناطق اشغالی و مشاهده ی دامنه ی جنایات ارتش اسرائیل نیز سازماندهی شده است. همچنین اعزام داوطلبان کمک به خلق فلسطین در زندگی روزمره، از جمله یاری به جمع آوری محصول زیتون در ماه های اکتبر و نوامبر. کارزار تحریم کالاهاى اسرائیلی در اروپا و کانادا و نیز ادامه دارد. در باره ی ابعاد جنبش تحریم اسرائیل به ویژه در زمینه ی همکاری های علمی و دانشگاهی، نگاه کنید به لوموند 2 اکتبر 2002.

هیئت آموزشی مدارس در سرزمین های اشغالی تلاش می کند که مدارس علی رغم منع عبور و مرور باز باشد و کودکان فلسطینی بیش از این از تحصیل محروم نمانند. مقاومت مردم در این زمینه نیز قهرمانانه است. ابتکارات فراوان با فداکاری های چشمگیر برای مقابله با این سیاست سرکوب ادامه دارد و گفتنی است که در اوت و سپتامبر امسال هم از دانش آموزان امتحان گرفته شده و هم برگه ها تصحیح شده است.

آگهی برای یک تظاهرات از طرف یوری اونیری رهبر یک جنبش چپ صلح طلب اسرائیلی:

نظم جهانی

صلح شورو/ قطعنامه های ملل متحد را نقض می کند/ باید گورش را گم کند!

شارون قهرمان/ قطعنامه های ملل متحد را نقض می کند/ درود بر دلآوری اش!

بوش خردمند/ تصمیم می گیرد که چه کسی نقض کننده است/ و چه کسی را باید تنبیه کرد/ هایل پیشوا!

روز جمعه 27 سپتامبر همراه با دهها سازمان یهودی و عرب جانبدار صلح در برابر پست کنترل نظامی کلاندا دست به تظاهرات خواهیم زد و خواستار عقب نشینی فوری ارتش از رام الله و برداشتن محاصره ی مقرر عرفات خواهیم شد.

## در حاشیه خبرها

نقشه ی آمریکا برای حمله ی نظامی به عراق بیش از پیش بوی نفت می دهد

اقدام عراق به پذیرش بدون قید و شرط کارشناسان سازمان ملل متحد برای تحقیق در مورد تسلیحات عراق و امکانات این کشور در تولید سلاح های کشتار انبوه «بهانه» ی قانونی دولت آمریکا را از آن گرفته و بوش و دیگر زمامداران آمریکا عربان تر از گذشته «نیت» اصلی خود را برای «سرنوشتی صدام حسین» و آغاز جنگ با عراق اعلام کردند. روز 18 سپتامبر، دیک چنی معاون رئیس جمهوری آمریکا در یک برنامه ی خبری سی ان ان اعلام کرد: «مسئله ی اصلی، کنترل 12 در صد از منابع نفتی جهان است.»

در برنامه ی تم تم و (که 18 سپتامبر از رادبو فرانس انتر پخش شد) مایکل مور سینماگر مترقی آمریکایی (سازنده ی فیلم های مستند) ضمن افشای چهره ی «دو روی جرج و بوش» و موضع گیری علیه جنگ آمریکا با عراق، اظهار داشت که کافی ست در سایت اینترنتی بی بی سی، کلمه ی طالبان، هوستون و کنت را وارد کرده و دکمه ی جستجو را کلیک کنید. داستان رابطه ی نزدیک طالبان با شرکت های نفتی آمریکا در برابر چشمان تان آشکار خواهد شد: که چند سال پیش، طالبان برای امضای قرارداد جهت اجرای پروژه ی لوله ی گاز ترکمنستان - بنادر پاکستان از طریق افغانستان [قراردادی که روز 19 سپتامبر در عشق آباد امضا شد!] به هوستون در تگزاس سفر کردند و با مقامات یک شرکت نفتی ملاقات نمودند که در آن زمان جرج و بوش از مسؤلین اش بود. آنها با شرکتی نیز قرارداد بستند که همین دیک چنی (معاون فعلی رئیس جمهوری کنونی) مدیر آن بود و مشاوره هم به عهده ی شرکت انرون گذاشته شد. دنباله ی داستان، ماجرای وحشتناک 11 سپتامبر و دخالت آمریکا در افغانستان و عواقب آن را همه می دانند.

لوموند در شماره ی 20 سپتامبر 2002 در مقاله ای درباره ی نقش نفت در جنگ احتمالی آمریکا در عراق می نویسد: «واضح است که دومین ذخیره ی نفتی جهان پس از عربستان سعودی، توجه ایالات متحده را جلب کند». این روزنامه ادامه می دهد که «عراق دارای 112 میلیارد بشکه، ذخیره ی قطعی معادل 11 درصد منابع نفتی دنیا می باشد که باید به این رقم 220 میلیارد بشکه منابع احتمالی را اضافه کرد». نویسنده در پایان مقاله اشاره می کند که جرج و بوش و دیک چنی خاستگاهشان صنعت نفت است و روابط نزدیک خود را با محافل نفتی حفظ کرده اند و می دانند که دست انداختن آمریکا بر منابع نفتی عراق چه ارزشی دارد.

## خاطره کشتار عام در صبرا و شاتیتلا

و در پایان از مراسمی یاد می کنیم که به مناسبت بیستمین سال کشتار فلسطینی ها در اردوگاه های صبرا و شاتیتلا در سال 1982، در کشورهای مختلف برپا شد. در پاریس، به ابتکار «کمیته ی هشیاری برای صلحی واقعی در خاورمیانه» سمیناری که تمام روز شنبه 28 سپتامبر را در بر گرفت در انستیتیوی جهان عرب و با حضور بیش از 500 نفر برگزار شد و چندین نفر از اسرائیل (آمنون کاپولیوک نویسنده ی لوموند دیپلوماتیک، و یان دو یونگ، جغرافیدان، و ایلان هله وی نویسنده و نماینده ی الفتح در انترناسیونال سوسیالیستی) و دو حقوقدان از فرانسه و بلژیک (ژرو پرادل و میکائل ورهاینگ که دادگاه شارون را در بلژیک دنبال می کنند) و صالح عبد الجواد استاد تاریخ و علوم سیاسی در فلسطین در باره ی ابعاد این جنایت و سوابق و پیامدهی آن صحبت کردند و فیلمی هم به نام «متهم» در باره ی همین فاجعه نشان داده شد. قطعاتی از نوشته ی ژان ژنه نویسنده ی بزرگ فرانسوی تحت عنوان «چهار ساعت در شاتیتلا» و اشعاری از محمود درویش شاعر بزرگ فلسطین نیز به ترتیب در آغاز و انجام سمینار قرائت گردید.